



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی

عنوان:

بنی صمداح: سیاست، جامعه و فرهنگ در المریه‌ی قرون میانه

استاد راهنما:

دکتر یونس فرهمند

دانشجو:

زهرا جهان آبادی

اسفندماه ۱۳۹۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی

عنوان:

بنی صمداح: سیاست، جامعه و فرهنگ در المریه‌ی قرون میانه

استاد راهنما:

دکتر یونس فرهنگد

استاد مشاور:

دکتر زهرا ربانی

دانشجو:

زهرا جهان آبادی

اسفندماه ۱۳۹۰

کلیه‌ی دستاوردهای این پژوهش، متعلق به دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها) است.

به پدر و مادرم:

به پاس مهربانی ما و محبت های بی دریغ شان

## چکیده

بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی المریه در دوره‌ی بنی صمادح، موضوع این پژوهش است. المریه از شهرهای جنوبی اندلس است که در سال ۳۴۴ ق به فرمان عبدالرحمن ناصر اموی (حک: ۳۰۰-۳۵۰ ق) بنا گردید. هم‌جواری این شهر با دریای مدیترانه موجب شد تا حاکمان اموی و عامری از آن به عنوان پایگاهی برای ناوهای جنگی و مرکزی برای کشتی‌های تجاری بهره‌گیرند. با سقوط دولت عامری در ۳۹۹ ق قلمرو وسیع آنان میان دولت‌های کوچکی تقسیم گردید که هر کدام در اداره‌ی امور حکومت، مستقل از دیگری بودند. در این میان المریه مورد توجه دو تن از غلامان عامری به نام‌های خیران و سپس زهیر قرار گرفت و پس از آن با قیام معن بن محمد در ۴۳۳ ق بنی صمادح بر این شهر حکومت یافتند. با به قدرت رسیدن معتصم بن صمادح، قلمرو او در طی نبردهایی که میان او و همسایگانش روی داد، به المریه و توابع آن محدود گردید. مسیحیان نیز از ضعف و ناتوانی حاکمان طوایف بهره‌گرفته و به سرزمین‌های مسلمانان حمله کردند. از این رو آنان از مرابطون در مغرب یاری خواستند؛ اما آن‌ها خود در ۴۸۴ ق به حاکمیت ملوک الطوایف و از جمله بنی صمادح پایان دادند.

معتصم در دوره‌ی حکومتش برای حفظ آرامش در شهر سیاست تسامح را در پیش گرفت و این امر موجب شد تا ساکنان المریه، اعم از عرب، بربر، مسلمان و ...، در این شهر به فعالیت بپردازند. او که خود در عرصه‌ی شعر و ادب تبحر داشت، به حمایت از شاعران و عالمان این حوزه پرداخت و این امر موجب شکوفایی سبک شعری موشح گردید. در عرصه‌ی علوم دینی، عالمان به تأسی از عصر اموی به تعلیم قرآن و کتب صحیح بخاری و مسلم پرداختند؛ اما علوم عقلی به دلیل عدم حمایت علما و حاکمان رشد چندانی نیافت.

واژگان کلیدی: اندلس؛ المریه؛ بنی صمادح؛ تجیبیان؛ معتصم بن صمادح؛ مرابطون؛ موشح.

## پیشگفتار

پژوهش حاضر، پیرامون یکی از دولت‌های ملوک الطوائف در اندلس است که هرچند از نظر سیاسی دوره‌ی درخشانی در تاریخ این سرزمین محسوب نمی‌شود، اما در زمینه‌ی علم و فرهنگ، یکی از ادوار مهم تاریخ آن است. ضعف و ناتوانی حاکمان طوائف از یک سو و آشفتگی حوادث این دوره از سوی دیگر موجب شده تا نسبت به دوره‌های اموی، عامری، مرابطون و ... کمتر مورد توجه قرار گیرد.

برای شناخت ویژگی‌های عصر ملوک الطوائف، موضوع پایان نامه‌ام را بررسی یکی از شهرهای اندلس در این برهه‌ی زمانی انتخاب کردم که درباره‌ی آن تاکنون مقاله، کتاب و یا پایان نامه‌ای به فارسی نوشته نشده است. اگرچه تا حدودی از سبک نگارش متون اندلس مطلع بودم، اما هرگز تصور نمی‌کردم که بررسی این حوزه‌ی تاریخی تا بدین حد دشوار باشد. عوامل متعددی موجب شده بود تا انجام این پژوهش به کندی صورت گیرد. اولین عامل، عدم شناخت کافی از منابع این دوره‌ی زمانی بود که پس از هفته‌ها جستجو در کتاب‌ها، مجلات، سایت‌ها و کتابخانه‌های دیجیتال، آشنایی اولیه‌ای نسبت به این حوزه بدست آمد. با این وصف و علی‌رغم تلاش‌ها برای یافتن مقالات، دستیابی به برخی از آنان برایم میسر نگردید؛ اما دشواری کار زمانی بود که با متون ثقیل، نثر متکلف برخی از منابع دسته اول مواجه شدم که برای شناخت وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی المریه در این دوره استفاده از آن ضروری بود و فهم مطالب این کتب زمان زیادی را از نگارنده سلب کرد.

عامل دوم در ارتباط با منابع این دوره بود. مهم‌ترین منابع دست اول این حوزه را کتب تراجم و فرهنگ‌نامه‌های تاریخی تشکیل می‌داد که از طریق این منابع می‌توان به اوضاع سیاسی و اجتماعی و ... این دوره پی برد؛ زیرا کتاب مستقلی که به حوادث این دوره بپردازد، وجود نداشت. علاوه بر آن کمبود اطلاعات در حوزه‌ی تشکیلات، اوضاع اجتماعی و زندگی برخی از دانشمندان را می‌توان از دشواری‌های این پژوهش دانست.



به رغم همه‌ی سختی‌ها و مشکلات، پژوهش حاضر اگر نقطه قوتی بدست آورده، مدیون استاد فرهیخته و عالیقدرم، جناب آقای دکتر یونس فرمند است که در طی انجام آن همواره از راهنمایی‌های ارزشمندشان برخوردار بوده‌ام و در محضر ایشان، شیوه‌ی پژوهش در تاریخ این حوزه را آموختم. از این رو از زحمات ایشان سپاسگزارم. پس از آن از استاد بزرگوار مشاور، سرکار خانم دکتر زهرا ربانی، سپاسگزارم که دلگرمی‌ها و راهنمایی‌هایشان در لحظات دشوار، انگیزه‌ای بود برای ادامه‌ی این راه.

بر خود لازم می‌دانم تا از اساتید بزرگوارم، سرکار خانم ندا گلیجانی مقدم و سرکار خانم شهره روغنی که زحمت داوری این پایان نامه را پذیرا شدند، تشکر نمایم.

در ترجمه‌ی متون و اشعار این دوره، از راهنمایی‌های دو استاد ارجمند و بزرگوارم، جناب آقای جواد پارسا و سرکار خانم نسرين حبيب، برخوردار بودم که از ایشان نیز سپاسگزارم. همچنین از دو دوست خوبم خانم‌ها شیدا صابری و مهناز قلی پور که در طی نگارش پایان نامه، همواره از پیشنهادات ارزشمندشان بهره‌مند بودم، تشکر می‌کنم.

برای انجام این پژوهش کتابخانه‌های متعددی با نگارنده همکاری داشتند. پیش از همه از مسئولین محترم کتابخانه‌ی بنیاد دایره المعارف اسلامی، مسئول محترم بخش آرشیو مجلات عربی این مرکز و استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر ستار عودی که زمینه‌ی دستیابی به بسیاری از منابع را برایم فراهم کردند، تشکر می‌کنم. پس از آن از مسئولین محترم بخش تالارمحققان کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی و کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد سپاسگزارم که همواره با صبر و حوصله پاسخگوی سوالاتم بودند و امکان استفاده از منابع ارزشمند این مراکز را برایم فراهم کردند.

## فهرست مطالب

## صفحه

فصل اول: مبانی پژوهش .....	۱
مبانی پژوهش .....	۱
مقدمه .....	۱
مسأله پژوهش .....	۱
پرسش‌های پژوهش .....	۲
فرضیات پژوهش .....	۲
روش پژوهش .....	۳
پیشینه‌ی پژوهش .....	۳
معرفی و بررسی منابع .....	۷
فصل دوم: وضع سیاسی .....	۱۸
۱-۲) جغرافیای المریه .....	۱۹
۲-۲) پیشینه‌ی تاریخی المریه .....	۲۴
۱-۲-۲) المریه تا پایان عصر عامریان .....	۲۴
۲-۲-۲) المریه از سقوط عامریان تا روی کار آمدن بنی صمادح .....	۲۸
۱-۲-۲-۲) حکومت خیران عامری .....	۲۹
۲-۲-۲-۲) حکومت زهیر عامری .....	۳۳
۳-۲-۲) اوضاع سیاسی عصر بنی صمادح .....	۳۶
۱-۳-۲-۲) خاندان بنی صمادح .....	۳۶
۲-۳-۲-۲) حکومت ابویحیی محمد بن صمادح .....	۳۷
۴-۲-۲) المریه پس از زهیر عامری .....	۳۹
۱-۴-۲-۲) روی کار آمدن ابوبکر الرُمیمی (۴۲۹ ق) .....	۳۹
۲-۴-۲-۲) حکومت منصور عبدالعزیز محمد بن ابی عامر (۴۲۹-۴۳۳ ق) .....	۳۹
۳-۴-۲-۲) حکومت معن بن صمادح (۴۳۳-۴۴۳ ق) .....	۴۱
۴-۴-۲-۲) حکومت معتصم بن صمادح (۴۴۳ ق- ۴۸۴ ق) .....	۴۱

- ۴۳ ..... روابط المریه با همسایگان (۱-۴-۴-۲-۲)
- ۴۳ ..... روابط المریه و بلنسیه (۱-۱-۴-۴-۲-۲)
- ۴۵ ..... روابط المریه و مالقه (۲-۱-۴-۴-۲-۲)
- ۴۵ ..... روابط المریه و دانیه (۳-۱-۴-۴-۲-۲)
- ۴۶ ..... روابط المریه و غرناطه (۴-۱-۴-۴-۲-۲)
- ۵۰ ..... روابط المریه و اشبیلیه (۵-۱-۴-۴-۲-۲)
- ۵۱ ..... روابط المریه و مسیحیان (۶-۱-۴-۴-۲-۲)
- ۵۳ ..... روابط المریه و مرابطون (۷-۱-۴-۴-۲-۲)
- ۵۹ ..... حکومت عزالدوله بن معتصم بن صمادح (۴۸۴ ق) (۵-۴-۲-۲)
- ۶۰ ..... تشکیلات سیاسی (۴-۲-۲)
- ۶۲ ..... تشکیلات نظامی (۵-۲-۲)
- ۶۲ ..... نیروی دریایی (۱-۵-۲-۲)
- ۶۳ ..... نیروی زمینی (۲-۵-۲-۲)
- ۶۵ ..... فصل سوم: وضع اجتماعی
- ۶۶ ..... گروه‌های قومی (۱-۳)
- ۶۷ ..... اعراب (۱-۱-۳)
- ۶۸ ..... بریرها (۲-۱-۳)
- ۷۰ ..... صقالبه (۳-۱-۳)
- ۷۲ ..... مولدان (۴-۱-۳)
- ۷۳ ..... اهل ذمه (۲-۳)
- ۷۳ ..... مسیحیان (۱-۲-۳)
- ۷۵ ..... یهودیان (۲-۲-۳)
- ۷۷ ..... طبقه بندی ساکنان المریه (۲-۳)
- ۷۷ ..... طبقه‌ی خواص یا اشراف (۱-۲-۳)
- ۷۸ ..... طبقه‌ی متوسط جامعه یا تاجران و صنعت‌گران (۲-۲-۳)

۷۸	..... طبقه‌ی سوم یا عوام الناس (۳-۲-۳)
۷۹	..... بردگان و غلامان (۳-۳)
۸۰	..... زنان (۴-۳)
۸۱	..... جشن‌ها (۵-۳)
۸۳	..... پوشش (۶-۳)
۸۷	..... سرگرمی‌ها و تفریحات (۷-۳)
۹۳	..... فصل چهارم: وضع علمی، فرهنگی المریه (۳-۳)
۹۵	..... مراکز علمی و آموزشی (۱-۴)
۹۵	..... قصر صمادحیه (۱-۱-۴)
۹۶	..... مسجد جامع (۲-۱-۴)
۹۷	..... علوم رایج و دانشمندان (۲-۴)
۹۷	..... علوم ادبی (۱-۲-۴)
۹۸	..... شعر و ادب (۱-۱-۲-۴)
۱۱۰	..... مضامین و سبک اشعار (۱-۱-۱-۲-۴)
۱۱۸	..... عروض (۲-۱-۲-۴)
۱۱۸	..... لغت و نحو (۳-۱-۲-۴)
۱۲۱	..... علوم شرعی (۲-۲-۴)
۱۲۱	..... علم حدیث (۱-۲-۲-۴)
۱۲۵	..... علوم قرآنی (۲-۲-۲-۴)
۱۲۵	..... قرائت (۱-۲-۲-۲-۴)
۱۲۶	..... علم فقه (۳-۲-۲-۴)
۱۲۷	..... تاریخ و جغرافیا (۳-۲-۴)
۱۳۳	..... علوم عقلی (۴-۲-۴)
۱۳۳	..... علم طب (۱-۴-۲-۴)

۱۳۵	.....	۲-۴-۲-۴) فلسفه و کلام
۱۳۶	.....	نتیجه
۱۴۰	.....	کتاب‌شناسی
۱۴۷	.....	پیوست‌ها

فصل اول

مبانی پژوهش

## فصل اول: مبانی پژوهش

### مقدمه

المریه از مهم‌ترین شهرهای اندلس در جنوب شرقی و در ساحل دریای مدیترانه واقع شده است؛ این شهر تا پیش از سال ۳۴۴ ق که عبدالرحمن الناصر اموی آن را مستقل کرد، بخشی از شهر بجانیه بود که از آن به‌عنوان مرکز دیدبانی برای حراست از مرزهای دریایی استفاده می‌شد. در دوره‌ی اموی و عامری المریه و اطراف آن به صورت پایگاهی برای ناوهای جنگی و مرکزی برای کشتی‌های تجاری درآمد. با سقوط دولت عامری در ۳۹۹ ق و شورش بربرها عصر ملوک الطوائف در اندلس آغاز گردید. در این میان دو غلام عامری، خیران و سپس زهیر، المریه را تصرف کردند و پس از آن ابوبکر الرُمیمی و منصور عبدالعزیز بن ابی عامر بر آن تسلط یافتند. با قیام معن بن صمادح، این شهر به تصرف بنی صمادح (حک: ۴۳۳-۴۸۴ ق) درآمد. آن‌ها از عرب‌های تجیبی بودند که پیش از شورش‌ها، مدتی حکومت شهرهای سَرَقُسطَه، دَرُوقَه و وَشَقَه را برعهده داشتند. با سقوط خلافت اموی در اندلس، شورش‌های خاندانی نیز اوج گرفت و معن بن صمادح در سال ۴۳۳ ق توانست با استفاده از اوضاع نابسامان المریه، آن‌جا را تصرف کند. سلطه‌ی بنی صمادح تا سال ۴۸۴ ق یعنی با سلطه‌ی مرابطون بر اندلس پایان یافت.

### مسأله پژوهش

المریه در دوران ملوک الطوائف و در زمان حکمرانی بنی صمادح اهمیت ویژه‌ای داشته است. هر چند در عصر ملوک الطوائف، اوضاع اندلس از نظم و انسجامی برخوردار نبود، اما المریه از معدود مناطقی بود که ثبات سیاسی نسبی داشت. با این همه، این ثبات نسبی به دلیل تعدی‌های ملوک الطوائف اغلب در هم می‌آشفته و مسیحیان از این امر بیشترین بهره را می‌گرفتند. از این رو، حاکمان المریه برای جلوگیری از سلطه‌ی مسیحیان، به جرگه‌ی هواخواهان مرابطون پیوستند؛ اما آنها خود عامل اصلی سقوط بنی صمادح شدند.

اگرچه به نظر می‌رسد همه‌ی صاحبان ادیان در المریه، از سطح رفاه اجتماعی یکسانی برخوردار نبودند، اما تساهل و تسامح مذهبی بنی صمادح سبب شد که آنان بدون توجه به دین و مذهبشان (اعم از یهودی و...) در این سرزمین زندگی کنند و همه‌ی آنان به نحوی در رشد و پیشرفت جامعه سهم باشند. در این دوره علوم دینی و غیر دینی (شامل حدیث، فقه، ادبیات و...) پیشرفت قابل توجهی داشت؛ چراکه حاکمان بنی صمادح خود از علاقه‌مندان به علم خاصه شعر و ادب بودند و دربار و قصر آن‌ها محل مناظره و بحث علمی میان دانشمندان برجسته بود. این پژوهش در پی پاسخگویی به این موضوع است که اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی المریه در دوران حکومت بنی صمادح چگونه بوده است؟

#### - پرسش‌های فرعی پژوهش

- ۱- موقعیت جغرافیایی المریه چه تأثیری بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن در عصر بنی صمادح داشت؟
- ۲- اوضاع سیاسی المریه در عصر غلامان عامری چه نقشی در روی کار آوردن بنی صمادح داشت؟
- ۳- روابط حاکمان المریه در دوران بنی صمادح با دولت‌های هم‌جوار و هم‌عصر خود چگونه بود؟
- ۴- سیاست‌های بنی صمادح چه تأثیری بر اوضاع اجتماعی المریه داشت؟
- ۵- دولت بنی صمادح چه نقشی در وضعیت فرهنگی المریه داشت؟

#### - فرضیات پژوهش:

- ۱- المریه به علت دوری از مراکز مسیحی نشین، همجواری با دریا و شهرهای مغرب در تثبیت دولت بنی صمادح و مهاجرت طبقات مختلف مردم و رونق اوضاع فرهنگی آن تأثیر داشته است.



۲- عدم ثبات سیاسی و کشمکش مداوم غلامان عامری با همسایگان و نارضایتی مردم، سبب درخواست کمک آنان از همسایگان شد که همین امر زمینه‌ی تشکیل دولت بنی صمادح در المریه را فراهم آورد.

۳- حاکمان بنی صمادح با همسایگان خود روابط مسالمت‌آمیزی داشتند، که این امر سبب ایجاد امنیت و آرامش در المریه گردید.

۴- تساهل و تسامح مذهبی حاکمان بنی صمادح در المریه، موجب مشارکت پیروان ادیان مختلف در اداره‌ی امور اجتماعی شد.

۵- توجه حاکمان و وزرای بنی صمادح به امور فرهنگی نظیر علوم، معماری و... و ترویج آن از یک سو و حمایت از عالمان و هنرمندان از سوی دیگر، سبب رونق اوضاع فرهنگی در این عصر شده است.

### روش پژوهش

در این پژوهش سعی شده تا با استفاده از منابع معتبر و با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی به اثبات یا ابطال فرضیات مربوطه پرداخته که در طی آن سیر حوادث و وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبیین شده است.

### پیشینه‌ی پژوهش:

توجه به تاریخ این شهر و نگارش آثاری درباره‌ی آن تا قرن بیستم میلادی چندان مورد توجه نبود؛ تا این که در سال ۱۹۴۵م مستشرق اسپانیایی، توریس بالباس مقالاتی درباره‌ی تاریخ این شهر در شمارگان مختلف مجله‌ی *اندلس* به چاپ رساند. نخستین مقاله‌ی وی با عنوان « آثار به جا مانده از عرب در المریه»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۴۵م و در دهمین شماره‌ی آن منتشر گردید. هشت سال

---

1- Balbas, Torres, " Restos de una casa arabe en Almeria", *Al- Andalus*, v. 10, 1945

بعد در شماره ۱۸، دومین مقاله‌اش را با نام «مسجد جامع المریه»<sup>۱</sup> و در سال ۱۹۵۷م و در شماره ۲۲، مقاله‌ی «المریه‌ی اسلامی»<sup>۲</sup> را به رشته‌ی تحریر درآورد. مقالات او الگویی برای مورخان مسلمان گردید و در این میان عبدالعزیز سالم نخستین مورخی بود که در سال ۱۹۶۹م کتابی مستقل درباره‌ی تاریخ المریه نگاشت. اثر او که *تاریخ المدینه المریه الاسلامیه، قاعده اسطول الاندلس* نام دارد،<sup>۳</sup> به تاریخ کامل این شهر از آغاز تا پایان حکومت مسلمانان بر آن پرداخته است. اگرچه نویسنده در این کتاب اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی تاریخ سیاسی این شهر ارائه داده است، اما وسعت دوره‌ی مورد مطالعه موجب شده که وی به اختصار به ذکر حوادث بپردازد و در این میان صفحاتی را به تاریخ حکومت بنی صمادح اختصاص دهد؛ جالب توجه است که وی در بررسی وقایع سیاسی بر اختلافات میان اعراب و بربرها تأکید فراوانی دارد و عامل بسیاری از نزاع‌های میان ملوک الطوائف را همین امر می‌داند.<sup>۴</sup> علاوه بر این او درباره‌ی وضع اجتماعی این شهر مطلبی بیان نکرده و در حوزه‌ی فرهنگ و عالمان المریه، تنها به معرفی چند تن از مشاهیر آن اکتفا کرده است.

محمد احمد ابوالفضل با توجه به کتاب عبدالعزیز سالم و با هدف رفع نواقص اثر وی، کتاب *تاریخ مدینه المریه الاندلسیه فی العصر الاسلامی* را نوشت و در آن به بررسی دوره‌ی محدودتری از تاریخ این شهر، از دوره‌ی امویان تا روی کار آمدن مرابطون، پرداخت؛ او اگرچه در بخش اوضاع سیاسی بسیار متأثر از کتاب عبدالعزیز سالم است، اما آنچه در این کتاب اهمیت دارد، مطالبی است که نویسنده درباره‌ی صنایع و معماری این شهر بیان کرده و پس از آن به اختصار به

---

1-Idem, "La mezquita mayor de Almeria", *Al- Andalus*, v.18, 1953.

2 -Idem, "Almeria Islamica", *Al- Andalus*, v. 22, 1957.

۳- عبدالعزیز سالم در مقدمه ذکر می‌کند که از دو اثر توریس بالباس، به نام‌های *جامع المریه و المریه اسلامی* در نگارش کتابش بهره‌ی فراوانی برده است. سالم، عبدالعزیز، *تاریخ مدینه المریه الاسلامیه، اسکندریه، موسسه شباب الجامعه، ۱۹۸۴م*، مقدمه نویسنده، ص ۹.

۴ - به عنوان نمونه نک: همو، ص ۷۹.

وضع فرهنگی این شهر پرداخته است. او در این کتاب میان شاخه‌های علوم و عالمان آن تفکیکی قائل نیست.

کتاب عبدالعزیز سالم از منابع مهم بوش فیلا برای نگارش مدخل «المربیه» در *دایره المعارف اسلام* گردید. نویسنده در این مقاله که در سال ۱۹۹۱م به چاپ رسید، به مطلب جدید و حائز اهمیتی اشاره نمی‌کند و در این میان به ذکر چند جمله درباره‌ی بنی صمادح اکتفا کرده است. لووی پرونسال نیز در همین سال مدخل بسیار مختصر «معن بن محمد» را نگاشت که در آن به چگونگی دستیابی او به قدرت و وفاتش اشاره دارد.<sup>۲</sup> دو سال بعد وی مدخل «معتصم بن صمادح» را نوشت و در آن به نبرد بنی صمادح و زیربان، روابط با مرابطون و سرانجام او در طی چند سطر پرداخته است.<sup>۳</sup>

مریم قاسم طویل دیگر مورخ مسلمانی است که به تاریخ این شهر در عصر حکومت بنی صمادح توجه کرد و برای نخستین بار کتابی مستقل درباره‌ی این دولت به نام *مملکه المریه فی عهد معتصم بن صمادح (۴۴۳-۴۸۴ق)* نوشت؛ اما بر خلاف دوره‌ی زمانی کوتاهی که وی به عنوان موضوع نوشته‌اش برگزیده، در متن، شواهد تاریخی بسیاری مربوط به این شهر پیش از تأسیس، دوره اموی، دوره غلامان عامری و... به دست داده است. مطالب کتاب در بخش جغرافیای تاریخی و اوضاع سیاسی بسیار متأثر از کتاب عبدالعزیز سالم است؛ با این تفاوت که عبدالعزیز سالم در عین مختصر نویسی، میان مطالب گفته شده ارتباط و هماهنگی ایجاد کرده است؛ نکته‌ای که در کتاب مریم قاسم طویل مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر نویسنده تنها به نقل مطالب اکتفا کرده است و در خلال مباحث سعی دارد تا خاندان بنی صمادح و بویژه معتصم را افرادی لایق و شایسته در امور حکومتی معرفی کند؛ اما در بخش اوضاع فرهنگی او به معرفی

---

1- J.Bosch vila, "AL-MARRIYYA", *EI2*, Leiden, Brill, 1991, v. 6, p: 575.

2- E. Levi- Provençal, "MAN B. MUHAMMAD", *EI2*, 1991, v.6, p: 344- 345.

3- Idem, "AL- MUTASIM", *EI2*, 1993, v.7, p: 775 – 776.

دانشمندان هر رشته به طور مجزا پرداخته و می‌توان اطلاعات او در این بخش را نقطه‌ی قوت کتابش دانست.

پس از معرفی آثار مستقل درباره‌ی المریه، می‌توان از کتاب پنج جلدی محمد عبدالله عنان با عنوان *تاریخ دولت اسلامی در اندلس* یاد کرد که جلد دوم آن را به معرفی عصر ملوک الطوائف در اندلس اختصاص داده و در سال ۱۹۶۰م به چاپ رسانده است. وی در این اثر مطالب مهمی درباره‌ی روابط سیاسی میان دولت‌های ملوک الطوائف بیان می‌کند؛ اما درباره‌ی معرفی دولت بنی-صمادح تنها چند صفحه از کتابش را اختصاص داده است و در زمینه‌ی وضع اقتصادی و فرهنگی مطلب مهمی ذکر نمی‌کند.

در سال ۲۰۰۰م گیشارد در جلد دهم *دایره‌المعارف اسلام*، مدخل «بنوتجیب» را نوشت<sup>۱</sup> که در آن به تاریخ حکومت آنان در مرزهای شمالی اندلس اشاره کرده است و در طی آن از خاندان صمادح نیز نام برده است. این مدخل زمینه‌ای شد تا وی در سال ۲۰۰۲م در بخش *تکمله‌ی دایره‌المعارف اسلام*، مدخل بسیار کوتاه «بنی‌صمادح» را بنویسد؛<sup>۲</sup> اما او تنها به مسائل کلی مربوط به این دولت اشاره دارد.

با این وصف و علی‌رغم نگارش کتاب‌های عربی در زمینه‌ی المریه و دولت بنی‌صمادح، تاکنون به زبان فارسی کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌ای نوشته نشده است. از سوی دیگر به علت عدم نظم تاریخی در سیر حوادث مذکور و عدم بررسی دقیق اوضاع سیاسی و فرهنگی، برآنیم تا با هدف تکمیل مباحث مربوطه، به بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره بپردازیم.

---

1- P.Guichard, "TUDJIB - BANU", *EI2*, 2000, v.10,p: 582- 583.

2- Idem, "SUMADIH", *EI2*, 2004 , v. 12, p: 766.